



مجموعه مقالات

بهمن ماه ۱۳۹۸

اندیشه‌های بزرگ تبیین

پیمان عدم تجاوز رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی؛
اهداف، چشم انداز و پیامدها



عاشقانه

اندیشکده راهبردی تبیین



مجموعه گزارش راهبردی



پیمان عدم تجاوز رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی؛ اهداف، چشم‌انداز و پیامدها



وبگاه اندیشکده : www.Tabyincenter.ir



نشانی : تهران، اقدسیه، خیابان شهید موحد دانش، خیابان نسترن، پلاک ۳۲، واحد ۱۱



کد پستی : ۱۹۵۷۶۶۴۷۳۱



تلفن : ۲۶۱۵۳۳۲۹



نمابر : ۸۹۷۷۱۹۶۴



فهرست

۶	مقدمه
۶	مرور و بررسی جزئیات ارائه شده طرح
۸	سابقه اقدامات رژیم صهیونیستی در جهت عادی سازی روابط با کشورهای عربی
۱۰	اهداف رژیم صهیونیستی و آمریکا از پیگیری این طرح
۱۲	چشم انداز و پیامدها
۱۵	نتیجه گیری
۱۶	منابع



مقدمه

اخیراً نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی وعده داده است که بزودی و به طور رسمی توافق‌نامه‌هایی در زمینه صلح با برخی کشورهای عربی به امضا برساند. چندی پیش «اسرائیل کاتص» وزیر خارجه رژیم صهیونیستی اعلام کرده بود هیأتی از این رژیم، با هدف بحث در مورد انعقاد یک پیمان «عدم تجاوز» با چند کشور عربی، مذاکراتی رسمی و علنی را در واشنگتن دنبال خواهد کرد. به گفته کاتص این مذاکرات با حمایت آمریکا انجام می‌شود. در واقع این مذاکرات در چارچوب طرح گسترده‌ای است که از سوی رژیم صهیونیستی به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس جهت امضای توافق‌نامه‌های دوجانبه و پایان دادن به منازعه به بهانه تمرکز بر مقابله با ایران ارائه شده است. گفته شده است کاتص، این طرح را در جریان دیدار با برخی وزیران امور خارجه کشورهای حاشیه خلیج فارس در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل با آن‌ها در میان گذاشته است و در اختیار جیسون گربنبلات فرستاده ویژه رئیس جمهور آمریکا در امور صلح خاورمیانه نیز قرار داده است. این مقاله به بررسی جزئیات این طرح، سابقه روند عادی‌سازی روابط، اهداف رژیم صهیونیستی و آمریکا از پیگیری این طرح و نهایتاً چشم‌انداز و پیامد آن می‌پردازد.

مرور و بررسی جزئیات ارائه شده طرح

در اوایل اکتبر ۲۰۱۹ گزارش شد که اسرائیل کاتص وزیر خارجه رژیم صهیونیستی دنبال توافق‌های عدم تجاوز با کشورهای خلیج فارس به عنوان مقدمه‌ای برای توافق‌های صلح احتمالی آینده بوده است. کاتص در توئیتر نوشت «اخیراً من تحت حمایت آمریکا در حال پیشبرد یک ابتکار سیاسی برای امضای توافق‌نامه‌های عدم تجاوز با کشورهای خلیج ع-ر-ب-ی



بوده‌ام.» [۱] گفته شده است کاتص، این طرح را در جریان دیدار با برخی وزیران امور خارجه کشورهای حاشیه خلیج فارس در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل با آنها در میان گذاشته است و در اختیار جیسون گرینبلات فرستاده ویژه رئیس جمهور آمریکا در امور صلح خاورمیانه نیز قرار داده است. این امر طی دو ماه آنقدر پیش رفت که یک هیئت اسرائیلی در اوایل دسامبر گذشته برای گفتگوهای بیشتر بر سر این موضوع وارد واشنگتن شدند. بر اساس گزارش‌های رسانه‌ای، ویکتوریا کوتس، مشاور معاون امنیت ملی آمریکا، برای بررسی این ایده با نمایندگان وزارت خارجه رژیم صهیونیستی دیدار کرد. او در این خصوص با سفرای امارات، بحرین، عمان و مراکش نیز در واشنگتن دیدار کرد و طرح رژیم صهیونیستی را به آنها توضیح داد و از آنها جواب خواست. آنها به وی گفتند که پیام را به رهبران کشورهایشان منتقل خواهند کرد و هر چه زودتر پاسخ خواهند داد. تاکنون هیچ یک از کشورها چنین گزارش‌هایی را تکذیب نکرده‌اند.

[۲]

بر اساس گزارش‌های منتشر شده، این طرح شامل چهار بند است:

توسعه دوستی‌ها و همکاری‌ها میان رژیم صهیونیستی و کشورهای حاشیه خلیج فارس

براساس کنوانسیون سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین الملل

انجام اقدامات لازم و موثر برای اطمینان از این که هیچ یک از طرفین دست به فعالیت‌هایی

چون جنگ، دشمنی، خرابکاری، تحریک علیه یکدیگر نزنند.

عدم پیوستن طرفین به ائتلاف، سازمان یا اتحاد با کشور سومی که ماهیت نظامی یا امنیتی

داشته باشد و منع همکاری و تبلیغ برای آنها

حل و فصل تمام اختلافات طرفین در خصوص این توافق از طریق رایزنی. [۳]



سابقه اقدامات رژیم صهیونیستی در جهت عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی

شکست‌های پی‌پی کشورهای عربی از رژیم صهیونیستی عملاً قبل از انقلاب اسلامی ایران آن‌ها را به سمت به رسمیت شناختن وضع موجود در فلسطین حرکت داده بود. در واقع عربستان با اعلامیه ملک خالد در سال ۱۹۷۵ (۲ سال پس از آخرین جنگ اعراب و اسرائیل) که برای اولین بار رژیم صهیونیستی را به صورت مشروط به رسمیت شناخته بود، روند سازش را آغاز کرده بود و این حرکت کشورهای عربی چند ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به معاهده صلح کمپ دیوید مصر با رژیم صهیونیستی منتهی شد. آن‌ها پیروزی انقلاب اسلامی را فرصتی مناسب دیدند تا بر آن شکست‌ها سرپوش بگذارند و بنابراین پیکان دشمنی خود را به سمت ایران تغییر دادند.

با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ نیز روند سازش کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی تسریع شد. این کشورها در مواجهه با رژیم صهیونیستی که از پشتیبانی آمریکا و غرب برخوردار بود متکی به حمایت‌های سیاسی و تسلیحاتی شوروی بودند. با فروپاشی شوروی این کشورها دیگر در قضیه فلسطین هیچ پشتیبانی برای خود در مقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی نمی‌دیدند. برگزاری کنفرانس صلح مادرید در سال ۱۹۹۱، معاهدات اسلو در سال ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵ و صلح اردن با اسرائیل در سال ۱۹۹۴ در چنین شرایطی انجام شد. [۴]

انقلاب اسلامی ایران که برآمده از طبقات مردمی و ارزش‌های دینی و فرهنگی بود باعث روی کار آمدن یک نظام سیاسی متفاوت با نظام‌های سیاسی قبیله‌ای منطقه شد و الهام‌بخش برخی از حرکت‌ها در کشورهای عربی برای مبارزه با رژیم‌های حاکم شد. این حرکت‌ها در راستای شعار صدور انقلاب اسلامی ایران تفسیر شد و هراس حاکمان آن کشورها را به از دست رفتن



بقای رژیم‌هایشان برانگیخت. بنابراین به مرور زمان مخصوصاً از سال ۲۰۰۶، با قدرت‌گیری حماس و نمایش قدرت حزب‌الله در جنگ با اسرائیل به‌عنوان دو گروه مورد حمایت ایران، برخی از آن کشورها که هنوز نظام‌های سیاسی آن‌ها به صورت قبیله‌ای است به ایجاد روابط پنهانی با رژیم صهیونیستی به بهانه مقابله با تهدید مشترک ایران روی آوردند.[۵]

با آغاز تحولات مردمی موسوم به بهار عربی، این ترس رژیم‌های عربی تشدید شد و رژیم صهیونیستی نیز که از روند همکاری‌های مستقیم و غیرمستقیم با این کشورهای عربی راضی بود این تحولات را برای خود تهدید قلمداد کرد. لیبرمن وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۱، بزرگ‌ترین تهدید اسرائیل را موفقیت انقلاب مصر و دموکراسی در آن کشور می‌دانست. بنابراین همکاری آن‌ها در راستای سرکوب این تحولات افزایش یافت.

یکی دیگر از عوامل افزایش روابط بین رژیم صهیونیستی و کشورهای حاشیه خلیج فارس، نارضایتی و تنفر دوجانبه آن‌ها از سیاست‌های باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا در خصوص ایران و منطقه غرب آسیا بود. در سال‌های اولیه تحولات بهار عربی، اوباما با حمایت از آن تحولات، عربستان و امارات را به خشم آورد و با رها کردن حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر، رژیم صهیونیستی نیز احساس نگرانی می‌کرد. امضای توافق هسته‌ای با ایران در سال ۲۰۱۵، به شدت مورد مخالفت رژیم صهیونیستی و اغلب کشورهای حاشیه خلیج فارس قرار گرفت. همین‌طور رژیم صهیونیستی، عربستان و امارات با انزجار یکسانی به حمایت محکم ایران از حکومت سوریه می‌نگریستند.[۶]

از دید بسیاری از کارشناسان، نزدیکی روابط میان عربستان و رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۱۵ به حدی بوده است که به تشکیل ائتلافی غیررسمی میان آن‌ها برای مقابله با ایران و حرکت



عربستان به سمت شناسایی رژیم صهیونیستی منجر شده است. رژیم صهیونیستی تلاش‌های خود را برای عادی‌سازی پنهان نمی‌کند. نتانیاهو در نوامبر اعلام کرد که اسرائیل با حداقل شش کشور عربی پیوند برقرار کرده است. در اول دسامبر، وزارت خارجه این رژیم طی بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد که هیئتی از اسرائیل، سفری رسمی به دبی خواهند داشت تا ترتیبات مشارکت در نمایشگاه بین‌المللی اکسپو ۲۰۲۰ را فراهم کنند. سفر نتانیاهو به عمان در سال ۲۰۱۸ گام مهمی در حرکت این رژیم از روابط پنهانی با کشورهای حاشیه خلیج فارس به سمت روابط آشکار بوده است. اکنون رژیم صهیونیستی و آمریکا امیدوارند از طریق متقاعد کردن کشورهای عربی به امضای یک پیمان عدم تجاوز، این روابط را رسمی کنند.

اهداف رژیم صهیونیستی و آمریکا از پیگیری این طرح

رسانه‌های صهیونیستی این طرح را حول محور منافع مشترک کشورهای حاشیه خلیج فارس و رژیم صهیونیستی برای جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای ایران تحلیل می‌کنند. استدلال می‌شود که کشورهای حاشیه خلیج فارس به رهبری عربستان و امارات، رژیم صهیونیستی را به عنوان یک متحد قهری در رویارویی با آنچه «تهدید توسعه‌طلبی ایران» نامیده می‌شود به رسمیت می‌شناسند. از طرفی برای رژیم صهیونیستی هم به جای این که به تنهایی با ایران روبرو شود، با چنین پیمانی ایران تبدیل به یک تهدید منطقه‌ای می‌شود و آن رژیم مشروعیت بیشتری در چگونگی پاسخ دادن به ایران می‌یابد. [۷]

اما در واقع هدف رژیم صهیونیستی از این طرح، پرداختن به مهم‌ترین مشکل و مسئله خود یعنی عدم مشروعیت و عدم شناسایی توسط کشورهای منطقه است. بسیاری از کشورهای عربی،



شناسایی این رژیم را مشروط به حل مسئله فلسطین با شرایط خاصی کرده‌اند. رژیم صهیونیستی که نمی‌خواهد آن شرایط از جمله عقب‌نشینی از مناطق اشغالی ۱۹۶۷ را برآورده کند، به دنبال راه‌حلی برای این موضوع است. این رژیم راه‌حل را در تهدیدنمایی از ایران برای این کشورها و برساختن مفهوم «منافع مشترک مقابله با ایران» دیده است. اما در مقابل، جمهوری اسلامی همواره دست دوستی و همکاری با آن کشورها دراز کرده است که این امر می‌تواند سیاست رژیم صهیونیستی را ناکارآمد سازد. بنابراین رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند از هر طرح و روندی که می‌تواند سبب همکاری ایران با کشورهای منطقه شود مقابله کند. در واقع این طرح اسرائیل کاتص تا حدودی پاسخی به پیشنهاد امضای معاهده عدم تجاوز با تک تک کشورهای خلیج فارس از سوی ظریف وزیر خارجه ایران بود که ابتدا در ۱۵ اردیبهشت در مصاحبه با شبکه الجزیره و سپس در ۵ خرداد (۲۶ می ۲۰۱۹) در سفر به عراق و دیدار با مقامات این کشور مطرح شد. به طور کلی هدف رژیم صهیونیستی از پیشنهاد مذکور این است که ضمن بازداشتن کشورهای عربی از همکاری با ایران، هم‌زمان با طرح صلح معامله قرن از سوی آمریکا این کشورها را وارد فرآیند مذاکره کرده و روند عادی‌سازی روابط خود با کشورهای عربی را بدون برآورده کردن شروط آن‌ها در خصوص مسئله فلسطین به پیش ببرد.

آنچه رژیم صهیونیستی و آمریکا را در پیش کشیدن این طرح امیدوار می‌کند مشکلات امنیتی رژیم‌های سیاسی کشورهای حاشیه خلیج فارس و نیاز فزاینده آن‌ها در پی خیزش‌های منطقه‌ای به تجهیزات امنیتی و نظارتی برای نظارت بر جمعیت خودشان است. تخصص رژیم صهیونیستی در این زمینه که طی بیش از پنج دهه اشغال اراضی فلسطینی و نظارت بر فلسطینی‌ها بدست آمده است یکی از گزینه‌های این کشورهای عربی است. علاوه بر این طی چند دهه، کشورهای عربی خلیج فارس پیوندهای نزدیکی با واشنگتن ایجاد کرده‌اند اما این پیوندها



همیشه با معامله‌گرایی و تأکید بر برقراری روابط شخصی با افراد قدرتمند در واشنگتن به عنوان جایگزینی برای فقدان حمایت گسترده در جامعه آمریکا محدود شده است؛ آن‌ها همیشه با مانع بی‌اعتمادی حامیان سرسخت رژیم صهیونیستی در واشنگتن که در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا نفوذ زیادی دارند نیز روبرو بوده‌اند. [۸] بنابراین آمریکا و رژیم صهیونیستی ضمن تهدیدنمایی از ایران امیدوارند این رژیم‌های عربی برای رفع چنین مشکلاتی با آن‌ها همکاری کنند. استدلال می‌شود که اغلب رژیم‌های سیاسی عربی سرمایه‌گذاری‌های خود در امنیت داخلی را شدیداً افزایش داده‌اند و مخالفت‌های سیاسی را سرکوب کرده‌اند. رویکرد تقویت قدرت نظامی و پلیسی و کاهش تحمل مخالفت سیاسی کشورهایی مانند عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی را طبیعتاً در کنار هم قرار می‌دهد و در واقع اگر حکومت‌های عربی برای دفع ترس از قیام سیاسی بر امنیت تأکید کنند احتمالاً فلسطینی‌ها را مشکلی می‌بینند که باید از آن کناره بگیرند، نه اولویتی که باید حل شود. [۹]

چشم‌انداز و پیامدها

حرکت به سمت این نوع روابط رسمی در قالب یک پیمان عدم تجاوز با دو مانع مهم روبرو است: نخست افکار عمومی؛ حتی مصر و اردن که با رژیم صهیونیستی معاهده صلح امضا کردند شهروندانانشان هم‌چنان این رژیم را دشمن تلقی می‌کنند؛ در واقع تنها، صلح سرد به معنی فقدان جنگ میان آن‌ها برقرار شده است. مخالفان صلح با رژیم صهیونیستی شامل بسیاری از نخبگان، روشنفکران، رسانه‌ها و روحانیون هستند و این نشان می‌دهد مردم کشورهای عربی آمادگی صلح با اسرائیل را ندارند و آن را نمی‌پذیرند. بنابراین برای کشورهای عربی هنوز سخت است که به سمت ایده پیمان عدم تجاوز با رژیم صهیونیستی حرکت کنند. بسیاری از کارشناسان



صهیونیستی این نکته را تأیید می‌کنند و پیشنهاد می‌کنند که اسرائیل به منظور رسیدن به هر نوع صلحی باید به فراتر از نخبگان سیاسی دسترسی پیدا کند و مستقیماً با عموم صحبت کند. از نظر «فرایم اینبار» رئیس «موسسه استراتژی و امنیت اورشلیم» تلاش برای توافق‌نامه‌های رسمی اثری معکوس دارد. او می‌گوید «مشتی کاغذ ارزش محدودی دارد و فشاری غیرضروری بر کشورهای عربی وارد می‌کند... باید سعی کنیم بدون کاغذهای رسمی روابط را عادی‌سازی کنیم. برای مثال اسرائیل باید روشن سازد که از توریسم از مبداء آن کشورها استقبال می‌کند و ما باید تعاملات مردم با مردم را تشویق کنیم».[۱۰]

مانع دوم، منازعه فلسطین است. تشکیلات خودگردان فلسطین از سیاست برقراری روابط با رژیم صهیونیستی از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس قبل از رسیدن به یک راه‌حل دائمی برای مسئله فلسطین بسیار ناراضی است. منابع تشکیلات ادعا می‌کنند که این امر نقض توافقات نشست سران عربی و اتحادیه عرب است. مقامات تشکیلات خودگردان می‌گویند این کشورها بعد از حمله به تأسیسات نفتی عربستان باید چشمشان را باز کنند و بفهمند که خیری از جانب آمریکا به آن‌ها نمی‌رسد.[۱۱] درحالی‌که آمریکا و رژیم صهیونیستی با معامله قرن به دنبال کشاندن کشورهای عربی به فرایند مذاکره و پیش‌برد روند عادی‌سازی هستند اما مخالفت همه جانبه فلسطینی‌ها با این طرح راه ورود به مذاکره را برای کشورهای عربی می‌بندد و آن‌ها نمی‌توانند این طرح را بهانه‌ای برای دست کشیدن از شروط سابق خود برای به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی کنند و به مذاکره در مورد پیمان عدم تجاوز بپردازند.

صرف نظر از این که چشم‌اندازی برای موفقیت چنین طرحی وجود ندارد این نکته شایان ذکر است که محققان سیاسی عموماً بر این باورند که پیمان‌های عدم تجاوز، خود به تجاوز از سوی طرف قوی‌تر علیه طرف‌های ضعیف‌تر منجر می‌شوند. رفتار رژیم صهیونیستی در گذشته



نیز همین رویه را ثابت می‌کند؛ این رژیم با توافق سال ۱۹۷۸ با مصر، نیروهای خود را برای حمله به لبنان در همان سال و بار دیگر در سال ۱۹۸۲ آزاد کرد. توافقات با ساف و اردن نیز منجر به گسترش شهرک‌ها در مناطق اشغالی ۱۹۶۷ (شامل قدس شرقی؛ جولان و کرانه باختری) شد و اکنون آن رژیم به دنبال ضمیمه کردن آنهاست. [۱۲] بر این اساس چنین پیمانی می‌تواند مقدمه‌ای برای یک تجاوز جدید از سوی رژیم صهیونیستی باشد که هدف آن می‌تواند هر یک از کشورهای منطقه یا فلسطینی‌ها باشد.



نتیجه گیری

هدف رژیم صهیونیستی از مطرح کردن پیمان عدم تجاوز با کشورهای حاشیه خلیج فارس پرداختن به مهم‌ترین مشکل و مسئله خود یعنی عدم مشروعیت و عدم شناسایی توسط کشورهای منطقه است. بسیاری از کشورهای عربی شناسایی این رژیم را مشروط به حل مسئله فلسطین با شرایط خاصی کرده‌اند. رژیم صهیونیستی که نمی‌خواهد آن شرایط از جمله عقب‌نشینی از مناطق اشغالی ۱۹۶۷ را برآورده کند به دنبال راه‌حلی برای این موضوع است. این رژیم راه‌حل را در تهدیدنمایی از ایران برای این کشورها و برساختن مفهوم «منافع مشترک مقابله با ایران» دیده است. آنچه رژیم صهیونیستی و آمریکا را در پیش کشیدن پیمان عدم تجاوز و برقراری روابط رسمی امیداور می‌کند مشکلات امنیتی داخلی رژیم‌های سیاسی کشورهای حاشیه خلیج و نیاز فزاینده آن‌ها در پی خیزش‌های منطقه‌ای به تجهیزات امنیتی و نظارتی برای نظارت بر جمعیت خودشان و تخصص رژیم صهیونیستی در این زمینه است. در واقع پشت این استدلال که کشورهای عربی به دلیل ترس از ایران به دنبال رابط نزدیک با رژیم صهیونیستی و آمریکا هستند ترس آن‌ها از مردم خودشان نهفته است؛ چیزی که رژیم صهیونیستی به دنبال بهره‌برداری از آن است.



منابع

- [۱] - یورونیوز، «اسرائیل به دنبال امضای پیمان «عدم تجاوز» با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس»، منتشرشده در ۱۴ مهر ۱۳۹۸، قابل بازیابی در پیوند زیر:
<https://farsi.euronews.com/2019/10/06/israel-and-persian-gulf-states-working-on-agreement-to-end-conflict-between-them>
- [۲] - Yoni Ben Menachem, A Non-Aggression Agreement between Israel and the Arab Countries, Jerusalem Center for Public Affairs, December 5, 2019, at: <https://jcpa.org/a-non-aggression-agreement-between-israel-and-the-arab-countries/>
- [۳] - سلام نو، «رژیم صهیونیستی طرحی برای عادی سازی روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس ارائه داد»، منتشرشده در تاریخ ۱۴ مهر ۱۳۹۸، قابل بازیابی در:
<https://salameno.ir/detail/30719393>
- [۴] - مهدی آشنا، «تحولات منطقه‌ای و آرمان فلسطین»، اندیشکده راهبردی تبیین، منتشر شده در تاریخ ۹ دی ۱۳۹۸، قابل بازیابی در پیوند زیر:
<http://tabyincenter.ir/34999>
- [۵] - مهدی آشنا، پیشین
- [۶] - Ian Black, “Why Israel is quietly cosyng up to Gulf monarchies”, The Guardian, 19 Mar 2019, at: <https://www.theguardian.com/news/2019/mar/19/why-israel-quietly-cosying-up-to-gulf-monarchies-saudi-arabia-uae>
- [۷] - Omar H. Rahman, What’s behind the relationship between Israel and Arab Gulf states?, Brookings Doha Center, January 28, 2019, at: <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2019/01/28/whats-behind-the-relationship-between-israel-and-arab-gulf-states/>
- [۸] - Omar H. Rahman, What’s behind the relationship between Israel and Arab Gulf states?, Brookings Doha Center, January 28, 2019, at: <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2019/01/28/whats-behind-the-relationship-between-israel-and-arab-gulf-states/>
- [۹] - David Mednicoff, Why increasing Arab-Israeli closeness matters, The Conversation, August 29, 2019, at: <https://theconversation.com/why-increasing-arab-israeli-closeness-matters-119691>
- [۱۰] - ISRAEL KASNETT, “Should Israel sign non-aggression pacts with Arab



countries?”, JNS, December 26, 2019, at: <https://www.jns.org/should-israel-sign-non-aggression-pacts-with-arab-countries/>

[١١] – Yoni Ben Menachem, A Non-Aggression Agreement between Israel and the Arab Countries, Jerusalem Center for Public Affairs, December 5, 2019, at: <https://jcpa.org/a-non-aggression-agreement-between-israel-and-the-arab-countries/>

[١٢] – Joseph Massad, Non-aggression pacts between Israel and Gulf states would make war more likely, Middle East Eye, 19 December 2019, at: <https://www.middleeasteye.net/opinion/non-aggression-pacts-between-israel-and-gulf-states-would-bring-both-war-and-shame>





اندرشکده بزرگ و تبیین



نشانی ما در شبکه های اجتماعی:

@Tabyincenter



www.tabyincenter.ir